



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

کلمات و اصطلاحات گیمینگ به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۱۱.۸۶k بازدید | ۱۴۰۵/۰۲/۲۳

The graphic features a light blue background with a gradient. At the top, the title 'کلمات و اصطلاحات گیمینگ به انگلیسی' is written in large black Persian font, followed by 'Gaming Vocabulary in English' in a smaller black font. Below this, the text 'مثال و ترجمه + ' is displayed in a large, stylized font. To the left, there is an illustration of a computer monitor on a stand with a loading icon on the screen. In the center, a cartoon boy is sitting on the floor, playing a video game with a controller. To the right, there are two large black speakers. Above the speakers are three question marks in blue, purple, and pink boxes. A red heart icon with a yellow and blue progress bar is located in the upper right corner. The ZabanMaster logo is in the bottom right corner, and the website 'zabanmaster.com' is written in the bottom left corner.

برای فهمیدن بازی‌های ویدیویی باید خیلی از اصطلاحات بازی‌ها که در چت، تنظیمات، مأموریت‌ها و رقابت‌های آنلاین استفاده می‌شوند یاد بگیرید. در این مقاله از بلاگ [آموزش زبان انگلیسی](#)، مهم‌ترین کلمات و اصطلاحات گیمینگ به انگلیسی را با معنی فارسی، مثال کاربردی و ترجمه یاد می‌گیریم.

این لیست به شما کمک می‌کند هم منوی بازی‌ها را بهتر بفهمید، هم در بازی‌های آنلاین طبیعی‌تر با دیگران ارتباط بگیرید.

موضوعات این مقاله

۱ کلمات انگلیسی پایه در بازی‌های ویدیویی

۲ کلمات مربوط به شروع، توقف و پایان بازی

۳ اصطلاحات انگلیسی مربوط به بازی که هر گیمر باید بداند

۴ اصطلاحات مربوط به جان، قدرت و امتیاز در بازی

۵ اصطلاحات مربوط به برد و باخت در بازی

۶ مخفف کلمات انگلیسی برای گیم

۷ معنی AFK در بازی چیست؟

۸ اصطلاحات چت در بازی‌های آنلاین

۹ اصطلاحات مربوط به اینترنت و مشکل فنی در بازی

۱۰ اصطلاحات بازی‌های آنلاین و چند نفره به انگلیسی

۱۱ اصطلاحات مربوط به رفتار بازیکنان در بازی‌های آنلاین

۱۲ اصطلاحات بازی‌های شوتر به انگلیسی

۱۳ اصطلاحات بازی‌های نقش‌آفرینی و ماجراجویی

۱۴ اصطلاحات ژانرهای بازی به انگلیسی

۱۵ جمع بندی

۱۶ سوالات متداول

کلمات انگلیسی پایه در بازی‌های ویدیویی

قبل از اینکه سراغ اصطلاحات تخصصی تر گیمینگ برویم، بهتر است چند کلمه پایه را یاد بگیریم. این کلمات تقریباً در بیشتر بازی‌ها دیده می‌شوند؛ از منوی بازی گرفته تا ماموریت‌ها، تنظیمات، پیام‌های داخل بازی و چت با بازیکنان دیگر.

game

بازی

This **game** is really fun, but some levels are too hard.

این بازی واقعا سرگرم‌کننده است، اما بعضی مرحله‌هایش خیلی سخت هستند.

video game

بازی ویدیویی، بازی کامپیوتری

I usually play **video games** after work to relax.

من معمولاً بعد از کار بازی ویدیویی انجام می‌دهم تا آرام شوم.

gamer

گیمر / کسی که بازی می‌کند

He is a casual **gamer**, not a professional player.

او یک گیمر معمولی (تفنی) است، نه یک بازیکن حرفه‌ای.

gaming

گیمینگ، بازی کردن

Gaming has become a huge part of online culture.

گیمینگ به بخش بزرگی از فرهنگ آنلاین تبدیل شده است.

player

بازیکن

Each **player** has three lives at the beginning of the game.

هر بازیکن در ابتدای بازی سه جان دارد.

character

شخصیت بازی، کاراکتر

You can choose a different **character** before the match starts.

قبل از شروع مسابقه می‌توانی یک شخصیت متفاوت انتخاب کنی.

enemy

دشمن

There are too many **enemies** in this area.

در این منطقه دشمن‌های خیلی زیادی وجود دارد.

level

مرحله، سطح

I finally passed the last **level**.

بالاخره مرحله آخر را رد کردم.

score

امتیاز

My **score** was higher than yours this time.

این بار امتیاز من از تو بیشتر بود.

life

جان

Be careful! You only have one **life** left.

مراقب باش! فقط یک جان برایت باقی مانده است.

بیشتر بخوانید: [لیست کلمات پرکاربرد انگلیسی](#)

کلمات مربوط به شروع، توقف و پایان بازی

این کلمات معمولاً در منوی اصلی بازی یا هنگام خروج از بازی دیده می‌شوند.

start

شروع کردن

Press this button to **start** the game.

برای شروع بازی این دکمه را بزن.

pause

توقف موقت، مکث کردن

Can you **pause** the game for a minute?

می‌توانی بازی را برای یک دقیقه نگه داری؟

resume

ادامه دادن بعد از توقف

Click **resume** when you are ready to continue.

وقتی آماده ادامه دادن بودی، روی resume («ادامه دادن») کلیک کن.

quit

خارج شدن، ترک کردن بازی

Don't **quit** the match before it ends.

قبل از تمام شدن مسابقه از آن خارج نشو.

restart

دوباره شروع کردن

I made a mistake, so I **restarted** the mission.

اشتباه کردم، برای همین ماموریت را دوباره شروع کردم.

game over

پایان بازی، باختن بازی، گیم اوور

I lost all my lives, and the screen said “**Game Over.**”

همه جان‌هایم را از دست دادم و روی صفحه نوشته شد «Game Over».

اصطلاحات انگلیسی مربوط به بازی که هر گیمر باید بداند

حالا سراغ اصطلاحاتی می‌رویم که در خود بازی، ماموریت‌ها، توضیحات آیتم‌ها و گفت‌وگوهای گیمرها زیاد می‌بینید. این بخش برای کسانی که می‌خواهند بازی‌ها را بهتر بفهمند بسیار مهم است.

gameplay

گیم‌پلی، نحوه انجام بازی

The story is simple, but the **gameplay** is amazing.

داستان ساده است، اما گیم‌پلی فوق‌العاده است.

mission

ماموریت

You need to complete this **mission** to unlock the next area.

باید این ماموریت را کامل کنی تا منطقه بعدی باز شود.

quest

ماموریت، معمولا در بازی های نقش آفرینی و ماجراجویی

This **quest** gives you a rare weapon as a reward.

این ماموریت به عنوان جایزه یک سلاح کمیاب به تو می دهد.

side quest

ماموریت فرعی

I usually finish all the **side quests** before the main story.

من معمولا قبل از داستان اصلی همه ماموریت های فرعی را تمام می کنم.

checkpoint

نقطه ذخیره، نقطه بازگشت، چک پوینت

If you die, you will restart from the last **checkpoint**.

اگر بمیری، از آخرین نقطه ذخیره دوباره شروع می‌کنی.

respawn

دوباره ظاهر شدن بعد از مردن در بازی

Wait here until the enemies **respawn**.

اینجا صبر کن تا دشمن‌ها دوباره ظاهر شوند.

unlock

باز کردن، آزاد کردن چیزی در بازی

You have to win five matches to **unlock** this skin.

باید پنج مسابقه را ببری تا این اسکین (لباس و ظاهر) برایت باز شود.

upgrade

ارتقا دادن، آپگرید کردن

I **upgraded** my armor before the boss fight.

قبل از مبارزه با باس، زره خودم را ارتقا دادم.

item

آیتم، وسیله داخل بازی

This **item** can heal your character.

این آیتم می‌تواند شخصیت تو را درمان کند.

loot

آیتم‌هایی که بعد از شکست دادن دشمن یا جست‌وجو به دست می‌آید

The boss dropped some really good **loot**.

باس چند آیتم خیلی خوب انداخت.

اصطلاحات مربوط به جان، قدرت و امتیاز در بازی

این اصطلاحات در بازی‌های اکشن، نقش آفرینی، شوتر و آنلاین بسیار رایج هستند.

HP

جان، میزان سلامتی شخصیت (Hit Points یا Health Points)

I only have ۱۰ HP left, so I need to heal.

فقط ۱۰ تا جان برایم باقی مانده، پس باید خودم را درمان کنم.

XP

امتیاز تجربه (Experience Points)

You get more XP when you complete harder missions.

وقتی مأموریت‌های سخت‌تر را کامل می‌کنی، امتیاز تجربه بیشتری می‌گیری.

damage

آسیب، صدمه، خرابی

This weapon does a lot of **damage** at close range.

این سلاح از فاصله نزدیک آسیب زیادی وارد می‌کند.

stamina

استقامت، انرژی بدنی شخصیت

Don't run too much, or your **stamina** will run out.

زیاد ندو، وگرنه استقامتت تمام می شود.

armor

زره، محافظ

You need better **armor** before fighting that boss.

قبل از جنگیدن با آن باس به زره بهتری نیاز داری.

health bar

نوار جان

The enemy's **health bar** is almost empty.

نوار جان دشمن تقریباً خالی شده است.

power-up

آیتم یا قابلیت که قدرت بازیکن را موقتا زیاد می کند

Grab that **power-up** before it disappears.

قبل از اینکه آن پاورآپ ناپدید شود، آن را بردار.

skill

مهارت، قابلیت

This character has a healing **skill**.

این شخصیت یک مهارت درمانی دارد.

ability

توانایی خاص

Her special **ability** lets her move faster for a few seconds.

توانایی ویژه او باعث می شود برای چند ثانیه سریع تر حرکت کند.

level up

ارتقا سطح پیدا کردن

I need more XP to **level up**.

برای ارتقا سطح به XP بیشتری نیاز دارم.

بیشتر بخوانید: لیست کامل ورزش ها در انگلیسی

اصطلاحات مربوط به برد و باخت در بازی

در بازی های آنلاین، رقابتی و تیمی، این کلمات را زیاد می شنوید.

win

بردن، برنده شدن

We can still **win** if we play as a team.

اگر تیمی بازی کنیم، هنوز می توانیم ببریم.

lose

باختن

We **lost** because nobody defended the base.

ما باختیم چون هیچ کس از پایگاه دفاع نکرد.

victory

پیروزی

That final kill gave us the **victory**.

آن کشتن آخر باعث پیروزی ما شد.

defeat

شکست

After three **defeats**, I finally changed my strategy.

بعد از سه شکست، بالاخره استراتژی ام را تغییر دادم.

draw

مساوی

The match ended in a **draw**.

مسابقه مساوی تمام شد.

match

مسابقه، بازی بین بازیکنان

That was the most intense **match** I've ever played.

آن شدیدترین مسابقه‌ای بود که تا حالا بازی کرده‌ام.

round

راند، دور

We won the first **round**, but they won the second one.

ما راند اول را بردیم، اما آن‌ها راند دوم را بردند.

comeback

برگشتن به بازی بعد از عقب افتادن

We were losing badly, but we made a great comeback.

خیلی عقب بودیم، اما برگشت فوق العاده ای داشتیم.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات موفقیت و شکست در انگلیسی

مخفف کلمات انگلیسی برای گیم

در چت بازی های آنلاین، گیمرها معمولا از مخفف ها استفاده می کنند تا سریع تر پیام بدهند. بعضی از این مخفف ها خیلی رایج اند و اگر معنی آن ها را ندانید، ممکن است متوجه حرف هم تیمی ها یا بازیکنان دیگر نشوید.

AFK

دور از کیبورد، فعلا پای سیستم نیستم (مخفف شده ی Away From Keyboard)

Sorry, I was AFK for a minute.

بیخشید، یک دقیقه پای سیستم نبودم.

GG

بازی خوبی بود (مخفف شده ی Good Game)

GG, everyone. That was a close match.

بازی خوبی بود بچه ها. مسابقه خیلی نزدیکی بود.

WP

خوب بازی کردی، خوب بازی کردید (مخفف شده ی Well Played)

WP! Your last move was perfect.

خوب بازی کردی! حرکت آخرت عالی بود.

GLHF

موفق باشی و خوش بگذره (مخفف شده ی Good Luck, Have Fun)

GLHF, everyone!

موفق باشید و خوش بگذره بچه ها!

BRB

الان برمی گردم (مخفف شده ی Be Right Back)

BRB, I need to answer the door.

الان برمی گردم، باید در را باز کنم.

OP

بیش از حد قوی، ناعادلانه قوی (مخفف شده ی Overpowered)

This weapon is completely OP.

این سلاح کاملاً بیش از حد قوی است.

LFG

دنبال گروه هستم (مخفف شده ی Looking For Group)

LFG for the new raid.

برای رید (حمله) جدید دنبال گروه هستم.

DC

قطع شدن اتصال (مخفف شده ی Disconnect)

I got DC'd in the middle of the match.

وسط مسابقه اتصال من قطع شد.

FPS

بازی شوتر اول شخص (مخفف شده ی First-Person Shooter)

I'm not very good at FPS games.

من در بازی های شوتر اول شخص خیلی خوب نیستم.

FPS

تعداد فریم در ثانیه (مخفف شده ی Frames Per Second)

My FPS drops whenever there are too many enemies on screen.

هر وقت دشمن های زیادی روی صفحه هستند، فریم بازی من افت می کند.

RPG

بازی نقش آفرینی (مخفف شده ی Role-Playing Game)

I love RPGs because you can build your own character.

من بازی های نقش آفرینی را دوست دارم چون می توانی شخصیت خودت را بسازی.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات مربوط به ورزش و بازی در انگلیسی

معنی AFK در بازی چیست؟

عبارت AFK یکی از رایج‌ترین مخفف‌ها در بازی‌های آنلاین است و یعنی بازیکن برای مدتی کوتاه پای سیستم یا کنسول نیست. این اصطلاح مخصوصاً در بازی‌های تیمی مهم است، چون اگر کسی بدون اطلاع AFK شود، ممکن است تیمش آسیب ببیند. به مثال‌های کاربردی زیر با این مخفف دقت کنید:

I'll be AFK for two minutes.

دو دقیقه پای سیستم نیستم.

Don't start the match. Sara is AFK.

مسابقه را شروع نکنید. سارا پای سیستم نیست.

He went AFK during the boss fight.

او وسط مبارزه با باس (غول بازی) از پای سیستم رفت.

Sorry, I was AFK. What did I miss?

ببخشید، پای سیستم نبودم. چه چیزی را از دست دادم؟

بیشتر بخوانید: [کلمات شهربازی به انگلیسی](#)

اصطلاحات چت در بازی‌های آنلاین

در بازی‌های آنلاین، سرعت مهم است. برای همین بازیکنان معمولاً از جمله‌های کوتاه و مستقیم استفاده می‌کنند. این جمله‌ها برای هماهنگی تیمی، درخواست کمک، هشدار دادن و صحبت بعد از بازی بسیار کاربردی هستند.

جمله‌های انگلیسی برای شروع بازی

Good luck, everyone.

موفق باشید بچه‌ها.

Let's play safe at the beginning.

اول بازی محتاط بازی کنیم.

Stick together.

با هم بمانید.

Don't rush too early.

خیلی زود حمله نکنید.

جمله‌های انگلیسی برای درخواست کمک

I need backup.

من کمک می‌خواهم.

Help me, I'm low HP.

کمکم کنید، جانم کم است.

Cover me.

هوای من را داشته باشید / پوششم بدهید.

Can someone heal me?

یکی می‌تواند من را درمان کند؟

جمله‌های انگلیسی برای هشدار دادن

Enemy behind us!

دشمن پشت سر ماست!

Watch out!

مراقب باش!

They're pushing from the left.

آن‌ها از سمت چپ حمله می‌کنند.

Don't go there alone.

تنهایی آنجا نرو.

جمله‌های انگلیسی بعد از برد یا باخت

GG, that was fun.

بازی خوبی بود، خوش گذشت.

Well played, guys.

خوب بازی کردید بچه‌ها.

That was close.

خیلی نزدیک بود.

We almost had it.

نزدیک بود ببریم / تقریباً موفق شده بودیم.

Let's try again.

بیا بید دوباره امتحان کنیم.

بیشتر بخوانید: آموزش اصطلاحات نسل Z به انگلیسی

اصطلاحات مربوط به اینترنت و مشکل فنی در بازی

این بخش برای گیمرها خیلی کاربردی است، چون در بازی‌های آنلاین مشکلاتی مثل لگ، پینگ بالا، قطع شدن اتصال یا افت فریم زیاد اتفاق می‌افتد.

lag

لگ / تاخیر در اجرای بازی یا ارتباط آنلاین

I can't aim properly because of the lag.

به خاطر لگ نمی‌توانم درست نشانه‌گیری کنم.

ping

پینگ / زمان پاسخ اتصال اینترنت

My ping is too high on this server.

پینگ من روی این سرور خیلی بالاست.

latency

تاخیر ارتباطی

High latency makes online games frustrating.

تاخیر بالا بازی‌های آنلاین را آزاردهنده می‌کند.

FPS drop

افت فریم

I get **FPS drops** whenever I enter a crowded area.

هر وقت وارد یک منطقه شلوغ می شوم، افت فریم می گیرم.

crash

کرش کردن / ناگهانی بسته شدن بازی

The game **crashed** right before the final fight.

بازی درست قبل از مبارزه نهایی کرش کرد.

bug

باگ، مشکل نرم افزاری

There is a **bug** that makes the character disappear.

یک باگ وجود دارد که باعث می شود شخصیت ناپدید شود.

glitch

ایراد عجیب یا باگ تصویری، رفتاری در بازی

That **glitch** let me walk through the wall.

آن گلیچ باعث شد بتوانم از دیوار رد شوم.

disconnect

قطع شدن اتصال

I **disconnected** during the loading screen.

در صفحه لو دینگ اتصال من قطع شد.

بیشتر بخوانید: آموزش اسلنگ انگلیسی

اصطلاحات بازی‌های آنلاین و چند نفره به انگلیسی

در بازی‌های آنلاین، بازیکن‌ها معمولاً به صورت تیمی یا رقابتی بازی می‌کنند. برای همین، اصطلاحاتی مثل تیم، سرور، لابی، رنک، مچ میکینگ و رفتار بازیکنان بسیار پرکاربرد هستند.

multiplayer

چند نفره

This game has both single-player and **multiplayer** modes.

این بازی هم حالت تک نفره دارد و هم حالت چند نفره.

single-player

تک نفره

I prefer **single-player** games because I enjoy the story.

من بازی های تک نفره را ترجیح می دهم چون از داستان لذت می برم.

teammate

هم تیمی

One of my **teammates** saved me at the last second.

یکی از هم تیمی هایم در آخرین لحظه نجاتم داد.

squad

گروه، تیم کوچک

I usually play with the same **squad** every weekend.

من معمولا هر آخر هفته با همان گروه بازی می‌کنم.

clan

کلن (قبلیه)، گروه ثابت بازی‌کنان

He invited me to join his **clan**.

او من را دعوت کرد که به کلن او بپیوندم.

guild

گروه یا انجمن بازیکنان، معمولا در بازی‌های نقش‌آفرینی آنلاین

Our **guild** is planning a big raid tonight.

گروه ما امشب برای یک رید بزرگ برنامه‌ریزی کرده است.

lobby

لابی، فضای انتظار قبل از شروع بازی

Wait in the **lobby** until everyone is ready.

در لابی صبر کن تا همه آماده شوند.

matchmaking

سیستم پیدا کردن بازیکن یا تیم مناسب برای مسابقه

The **matchmaking** is much better after the latest update.

سیستم مچ میکینگ بعد از آخرین آپدیت خیلی بهتر شده است.

ranked match

مسابقه رنک دار / مسابقه ای که روی رتبه بازیکن اثر می گذارد

Don't leave a **ranked match** unless you really have to.

از مسابقه رنک دار خارج نشو، مگر اینکه واقعا مجبور باشی.

casual match

مسابقه معمولی و غیررنک

Let's play a **casual match** before ranked.

قبل از رنک یک مسابقه معمولی بازی کنیم.

server

سرور

This **server** is full, so we need to join another one.

این سرور پر است، پس باید وارد یک سرور دیگر شویم.

region

منطقه سرور، ناحیه جغرافیایی

Choose the closest **region** to get a better ping.

نزدیک ترین منطقه را انتخاب کن تا پینگ بهتری داشته باشی.

اصطلاحات مربوط به رفتار بازیکنان در بازی های آنلاین

در بازی های آنلاین فقط مهارت مهم نیست؛ رفتار بازیکنان هم اهمیت زیادی دارد. بعضی اصطلاحات برای توصیف رفتارهای مثبت یا منفی بازیکنان استفاده می شوند.

toxic

سمی، بدرفتار، کسی که فضای بازی را خراب می‌کند

I muted him because he was being **toxic**.

من او را بی‌صدا کردم چون رفتار سمی داشت.

troll

کسی که عمداً دیگران را اذیت می‌کند یا بازی را خراب می‌کند

Stop **trolling** and play seriously.

دست از مسخره‌بازی بردار و جدی بازی کن.

griefing

اذیت کردن عمدی بازیکنان دیگر در بازی

The player was banned for **griefing** his own team.

آن بازیکن به خاطر اذیت کردن عمدی تیم خودش بن شد.

rage quit

از عصبانیت ناگهانی از بازی خارج شدن

He **rage quit** after losing the first round.

او بعد از باختن راند اول از شدت عصبانیت از بازی خارج شد.

smurf

بازیکن حرفه ای که با اکانت سطح پایین بازی می کند

That player is probably a **smurf**. He's way too good for this rank.

آن بازیکن احتمالا اسمرف است. برای این رنک خیلی زیادی خوب بازی می کند.

newbie

تازه کار

Be patient with him. He's a **newbie**.

با او صبور باش (نسبت به او صبر داشته باش). تازه کار است.

noob

نوب، بازیکن ضعیف یا بی تجربه؛ گاهی توهین آمیز

Don't call people **noobs** just because they made a mistake.

فقط به خاطر اینکه کسی اشتباه کرده، به او نوب نگو.

camper

کسی که در یک نقطه مخفی می شود و منتظر دشمن می ماند

There's a **camper** near the entrance.

نزدیک ورودی یک نفر کمپ کرده است.

cheater

متقلب

Everyone reported the **cheater** after the match.

همه بعد از مسابقه آن متقلب را گزارش کردند.

hacker

هکر / کسی که با ابزار غیرقانونی بازی را دستکاری می‌کند

I think there's a **hacker** in this match.

فکر می‌کنم در این مسابقه یک هکر وجود دارد.

اصطلاحات بازی‌های شوتر به انگلیسی

بازی‌های شوتر، مخصوصاً بازی‌های آنلاین رقابتی، اصطلاحات خاص خودشان را دارند. کلماتی مثل flank و aim،headshot،recoil،rush در بازی‌های شوتر اول شخص و سوم شخص زیاد استفاده می‌شوند. دسته‌بندی ژانرهای shooter،FPS و TPS در منابع ژانرشناسی بازی‌ها هم به عنوان یکی از گروه‌های اصلی بازی‌های ویدیویی معرفی شده است.

shooter

بازی شوتر، بازی تیراندازی

I'm not very good at fast-paced **shooters**.

من در بازی‌های شوتر سریع خیلی خوب نیستم.

aim

نشانه‌گیری

Your **aim** is getting better every day.

نشانه‌گیری‌ات دارد هر روز بهتر می‌شود.

headshot

شلیک به سر

He got three **headshots** in a row.

او سه هدشات پشت سر هم زد.

recoil

لگد اسلحه

This gun has too much **recoil**.

این اسلحه لگد خیلی زیادی دارد.

spray

رگبار زدن، شلیک پیوسته

Don't **spray** from long range. Use short bursts.

از فاصله دور رگبار نزن. شلیک‌های کوتاه بزن.

reload

خشاب عوض کردن، پر کردن دوباره اسلحه

Cover me while I **reload**.

وقتی خشاب عوض می‌کنم، هوایم را داشته باش.

ammo

مهمات، تیر

I'm out of **ammo**.

تیرم تمام شده است.

grenade

نارنجک

Throw a **grenade** before you enter the room.

قبل از اینکه وارد اتاق شوی، یک نارنجک بینداز.

scope

دوربین اسلحه

This rifle is much better with a **scope**.

این تفنگ با دوربین خیلی بهتر است.

loadout

تجهیزات انتخابی بازیکن، شامل اسلحه‌ها و آیتم‌ها

Change your **loadout** before the next round.

قبل از راند بعدی تجهیزاتت را عوض کن.

kill

کشتن بازیکن یا دشمن در بازی

I got the last **kill** of the match.

من آخرین کیل مسابقه را گرفتم.

assist

کمک در کشتن دشمن

I didn't get the kill, but I got an **assist**.

من کیل را نگرفتم، اما اسیست گرفتم.

clutch

بردن یک موقعیت سخت و حساس، معمولا وقتی تیم در فشار است

She **clutched** the round with only ۵ HP left.

او با فقط ۵ جان باقی مانده، آن راند حساس را برد.

rush

حمله سریع و ناگهانی

Don't **rush** without checking the corners.

بدون چک کردن گوشه‌ها سریع حمله نکن.

flank

از کنار یا پشت به دشمن حمله کردن

I'll **flank** them from the right side.

من از سمت راست به آن‌ها از کنار حمله می‌کنم.

cover

پوشش / جایی برای پنهان شدن از شلیک دشمن

Get behind **cover**!

برو پشت پوشش!

spawn point

محل ظاهر شدن بازیکن در بازی

Enemies are near our **spawn point**.

دشمن‌ها نزدیک محل اسپاون ما هستند.

high ground

موقعیت بالاتر نسبت به دشمن

Take the **high ground** before they push.

قبل از اینکه حمله کنند، موقعیت بالاتر را بگیر.

بیشتر بخوانید: [اصطلاحات نظامی در انگلیسی](#)

اصطلاحات بازی‌های نقش‌آفرینی و ماجراجویی

در بازی‌های نقش‌آفرینی و ماجراجویی، معمولاً با داستان، شخصیت‌سازی، ماموریت، دیالوگ، انتخاب و ارتقای توانایی‌ها سروکار داریم. ژانر RPG و زیرشاخه‌هایی مثل JRPG و MMORPG در منابع معرفی ژانر بازی‌ها به‌عنوان دسته‌های رایج معرفی می‌شوند.

RPG

بازی نقش‌آفرینی

In most **RPGs**, your choices affect the story.

در بیشتر بازی‌های نقش‌آفرینی، انتخاب‌های تو روی داستان اثر می‌گذارند.

character creation

ساخت شخصیت

I spent an hour on **character creation**.

من یک ساعت برای ساخت شخصیت وقت گذاشتم.

class

کلاس شخصیت، مثل جنگجو، جادوگر یا درمانگر

I chose the mage **class** because I like using magic.

من کلاس جادوگر را انتخاب کردم چون استفاده از جادو را دوست دارم.

build

ترکیب مهارت‌ها، تجهیزات و سبک بازی یک شخصیت

This **build** is great for players who like fast attacks.

این بیلد برای بازیکنانی که حمله‌های سریع را دوست دارند عالی است.

NPC

شخصیت غیرقابل بازی، شخصیتی که توسط بازی کنترل می‌شود (مخفف شده‌ی Non-Player Character)

Talk to that **NPC** to start the quest.

با آن شخصیت غیرقابل بازی صحبت کن تا ماموریت شروع شود.

dialogue

گفت‌وگو

The **dialogue** in this game feels very natural.

دیالوگ‌های این بازی خیلی طبیعی به نظر می‌رسند.

cutscene

صحنه سینمایی بین مراحل یا بخش‌های داستانی

Don't skip the **cutscene**. It explains the story.

صحنه سینمایی را رد نکن. داستان را توضیح می دهد.

lore

پیشینه داستانی و دنیای بازی

The **lore** of this game is surprisingly deep.

پیشینه داستانی این بازی به طرز عجیبی عمیق است.

main story

داستان اصلی

I finished the **main story**, but there is still a lot to explore.

داستان اصلی را تمام کردم، اما هنوز چیزهای زیادی برای گشتن وجود دارد.

boss

باس، گول، دشمن اصلی و قوی تر

This **boss** has three different attack patterns.

این باس سه الگوی حمله متفاوت دارد.

mini-boss

باس کوچک تر یا ضعیف تر از باس اصلی

The **mini-boss** was harder than I expected.

مینی باس سخت تر از چیزی بود که انتظار داشتم.

party

گروه شخصیت ها یا بازیکنان

You need a healer in your **party**.

در گروهت به یک درمانگر نیاز داری.

inventory

کوله پشتی / فهرست آیتم های بازیکن

My **inventory** is full, so I can't pick up more items.

اینونتوری من پر است، پس نمی‌توانم آیتم بیشتری بردارم.

skill tree

درخت مهارت

Spend your points carefully in the **skill tree**.

امتیازهایت را در درخت مهارت با دقت خرج کن.

اصطلاحات ژانرهای بازی به انگلیسی

ژانر بازی یعنی نوع یا سبک بازی. شناختن این کلمات کمک می‌کند توضیحات بازی‌ها، نقدها، فروشگاه‌های آنلاین و پیشنهادهای دیگران را بهتر بفهمید.

FPS

بازی شوتر اول شخص (مخفف شده ی First-Person Shooter)

In an **FPS game**, you see the world through the character's eyes.

در یک بازی شوتر اول شخص، دنیا را از چشم شخصیت می‌بینی.

TPS

بازی شوتر سوم شخص (مخفف شده ی Third-Person Shooter)

I prefer **TPS games** because I can see my character.

من بازی های شوتر سوم شخص را ترجیح می دهم چون می توانم شخصیت خودم را ببینم.

RPG

بازی نقش آفرینی (مخفف شده ی Role-Playing Game)

A good **RPG** lets you make meaningful choices.

یک بازی نقش آفرینی خوب به تو اجازه می دهد انتخاب های مهم داشته باشی.

MMORPG

بازی نقش آفرینی آنلاین چند نفره گسترده (مخفف شده ی Massively Multiplayer Online Role-Playing Game)

In an **MMORPG**, thousands of players can share the same world.

در یک **MMORPG**، هزاران بازیکن می توانند در یک دنیای مشترک بازی کنند.

MOBA

بازی میدان نبرد آنلاین چند نفره (مخفف شده ی Multiplayer Online Battle Arena)

MOBA games require teamwork and quick decision-making.

بازی های MOBA به کار تیمی و تصمیم گیری سریع نیاز دارند.

RTS

بازی استراتژی هم زمان (مخفف شده ی Real-Time Strategy)

RTS games are great if you enjoy planning and managing resources.

اگر از برنامه ریزی و مدیریت منابع لذت می بری، بازی های RTS عالی هستند.

Battle Royale

بتل رویال / سبکی که در آن تعداد زیادی بازیکن رقابت می کنند تا یک نفر یا یک تیم باقی بماند

In a Battle Royale game, staying alive is just as important as fighting.

در بازی بتل رویال، زنده ماندن به اندازه جنگیدن مهم است.

open-world game

بازی جهان باز

This **open-world game** lets you explore the map freely.

این بازی جهان باز به تو اجازه می دهد آزادانه نقشه را بگردی.



sandbox game

بازی سندباکس / بازی ای که آزادی زیادی برای ساختن، تجربه کردن یا گشتن می دهد

Sandbox games are perfect for creative players.

بازی های سندباکس برای بازیکنان خلاق عالی هستند.



survival game

بازی بقا

In **survival games**, you often need to find food, water, and shelter.

در بازی های بقا معمولا باید غذا، آب و سرپناه پیدا کنی.



horror game

بازی ترسناک

I can't play **horror games** at night.

من نمی‌توانم شب‌ها بازی ترسناک انجام بدهم.

platformer

بازی سکوبازی، بازی‌ای که در آن پریدن و عبور از سکوها مهم است

This **platformer** looks simple, but it gets really hard later.

این بازی سکوبازی ساده به نظر می‌رسد، اما بعداً واقعاً سخت می‌شود.

simulation game

بازی شبیه‌ساز

Simulation games try to make real-life activities feel realistic.

بازی‌های شبیه‌ساز سعی می‌کنند فعالیت‌های واقعی زندگی را طبیعی و واقعی نشان دهند.

sports game

بازی ورزشی

He buys the new **football game** every year.

او هر سال بازی فوتبال جدید را می‌خرد.

racing game

بازی مسابقه‌ای، ماشین‌سواری

Racing games are more fun with a steering wheel.

بازی‌های مسابقه‌ای با فرمان بازی جذاب‌تر هستند.

جمع‌بندی

یاد گرفتن کلمات و اصطلاحات انگلیسی بازی‌های ویدیویی کمک می‌کند منوی بازی‌ها، چت‌های آنلاین، توضیحات مأموریت‌ها، تنظیمات و حتی نقدهای انگلیسی بازی‌ها را بهتر بفهمید. در این مقاله، اصطلاحات مهم گیمینگ را از کلمات پایه و مخفف‌ها تا ژانرها، بازی آنلاین، بازی‌سازی و جمله‌های کاربردی بررسی کردیم.

اگر زیاد بازی می‌کنید، این اصطلاحات فقط برای فهمیدن بازی نیستند؛ بلکه به شما کمک می‌کنند در فضای واقعی گیمینگ، طبیعی‌تر و حرفه‌ای‌تر انگلیسی صحبت کنید.

سوالات متداول

AFK در بازی یعنی چه؟

AFK مخفف **Away From Keyboard** است و یعنی بازیکن برای مدتی کوتاه پای سیستم یا کنسول نیست.

مثلا اگر کسی بگوید:

.I'll be AFK for two minutes

دو دقیقه پای سیستم نیستم.

GG در بازی یعنی چه؟

GG مخفف **Good Game** است و معمولا در پایان بازی گفته می‌شود. این عبارت یعنی «بازی خوبی بود» و می‌تواند

نشانه احترام به بازیکنان دیگر باشد.

.GG, that was a close match

بازی خوبی بود، مسابقه خیلی نزدیکی بود.

OP در بازی یعنی چه؟

OP مخفف **Overpowered** است و برای شخصیت، سلاح یا قابلیتی استفاده می‌شود که بیش از حد قوی و گاهی

ناعادلانه باشد.

.This character is too OP

این شخصیت بیش از حد قوی است.

Noob یعنی چه و آیا توهین آمیز است؟

Noob معمولاً به بازیکن ضعیف یا بی تجربه گفته می‌شود، اما در بسیاری از موقعیت‌ها حالت توهین آمیز دارد. اگر بخواهید محترمانه‌تر صحبت کنید، بهتر است از **beginner** یا **newbie** استفاده کنید.

.He's a beginner, so give him some time

او مبتدی است، پس کمی به او زمان بده.

Lag و Ping چه فرقی دارند؟

Ping عددی است که سرعت ارتباط شما با سرور را نشان می‌دهد، اما **lag** چیزی است که در بازی حس می‌کنید؛ یعنی تأخیر، گیر کردن یا دیر واکنش نشان دادن بازی.

.My ping is high, so the game is lagging

پینگ من بالاست، برای همین بازی لگ می‌زند.